

خاستگاه آراء در نهمین دوره انتخابات مجلس در شهرستان کازرون بر پایه دیدگاه‌های اینگلهارت، پیا نوریس و مکتب شیکاگو

افشین متقی^۱

چکیده

از طریق انتخابات، شهروندان ضمن نظارت بر عملکرد منتخبان خود، به حکومت حاکمان مشروعیت می‌بخشند. در حقیقت، انتخابات مناسب‌ترین ابزاری است که به وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در انتخاب متصدیان امور کشور مداخله داد. به دلیل چنین اهمیتی، جغرافیدانان سیاسی با بررسی روشمند و علمی رابطه میان انتخابات و محیط جغرافیایی، حرکتی فراسوی شمارش آراء را آغاز کرده‌اند تا جغرافیای انتخابات را به سوی تشریح الگوهای کلی سیاسی و روندشناسی تشکیل حکومت‌ها به پیش برند. در این مقاله به بررسی و تبیین الگوهای رفتاری تأثیرگذار در رأی‌آوری نماینده شهرستان کازرون در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخته شده است. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی- تحلیلی به‌شمار می‌رود که در گردآوری اطلاعات نیز از روش کتابخانه‌ای و کار میدانی (مصاحبه حضوری) استفاده شده است. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که از میان خاستگاه‌های مختلف رای، ترکیب سه نظریه اینگلهارت، پیا نوریس و مکتب شیکاگو، الگویی جغرافیایی برای مطالعه رفتار رای‌دهی به‌عنوان یک کنش سیاسی- مکانی فراهم می‌آورد و در سه چارچوب «جغرافیای سیاسی محلی»، «جغرافیای اقتصادی» و «جغرافیای قدرت»، الگوی رای‌آوری و رای‌دهی را مشخص می‌سازد. بر این اساس، در جغرافیای انتخابات شهرستان کازرون، سه خاستگاه تجربه‌ی انباشته‌ی سیاسی گذشته، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و طرح‌واره نظام سیاسی در چارچوب بسترهای مکانی و بنیادهای زیستی، در رأی‌آوری نماینده این شهرستان نقش ایفا کرده است.

واژگان کلیدی: جغرافیای انتخابات، دیدگاه اینگلهارت، پیا نوریس، مکتب شیکاگو، مجلس شورای اسلامی، کازرون.

مقدمه

مشارکت فعال شهروندان در امر حاکمیت، رویه و مجراهای گوناگونی دارد که بارزترین آن در انتخابات نمودار می‌گردد. انتخابات و رفتار انتخاباتی کنش و نگرشی سیاسی است که با کارکردهای ساختاری و سامانه‌های اقتصادی - فرهنگی در سطح کلان رابطه دارد. انتخابات یک روند بسیار مهم در حاکمیت دموکراتیک است و از طریق آن، تأثیرگذاری مستقیم مردم در رفتار سیاسی آشکار می‌شود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۳۲). جغرافیای انتخابات در این میان، توانسته است با بررسی الگوهای فضایی - مکانی این رفتار سیاسی و کشاندن آن بر روی نقشه‌های جغرافیایی و تحلیل‌های آماری، دیدگاهی فراگیر و ژرف درباره مشارکت سیاسی از طریق انتخابات را فراهم آورد (Quinton, 2013). سه رویداد همزمان و درهم تنیده سبب گردید تا بررسی مکانی - فضایی انتخابات ممکن شود؛ نخست، افزایش شمار پایگاه داده‌های زمینی که امکان استناد به آمار و ارقام را فزون می‌ساخت؛ دوم، افزایش و بهبود روش‌های ریاضیاتی و مدل‌سازی که به پژوهندگان امکان بررسی ابعاد فضایی یک پدیده را فراهم می‌ساخت و در نهایت، پیشرفت روافزون ابزارهای محاسباتی همانند رایانه و دیگر سخت‌افزارهای محاسباتی (Crespin, et al, 2011: 1). انتخابات در ایران زمینه مشارکت مدنی شهروندان در امور سیاسی را فراهم کرده و به نظر می‌رسد مشارکت شهروندان در انتخابات پس از پیروزی انقلاب اسلامی بیانگر حضور ایدئولوژیکی و رویکرد قومی - قبیله‌ای ناشی از حس خاص مکانی شهروندان می‌باشد (پیشگاهی فرد و شوشتری، ۱۳۸۷: ۱۰۹). خاستگاه آراء و چرایی و چگونگی رای دادن افراد به یک کاندیدا، دارای ریشه‌ها و سرچشمه‌های گونه‌گونی است که در ایران به دلیل تنوع مکانی - فضایی و بسگانگی نژادی - تباری و نیز وابستگی‌های حزبی - فکری پیچیده‌تر می‌شود (شادلو، ۱۳۸۵: ۱۱۳). شهرستان کازرون که در غرب استان فارس قرار دارد، دارای ویژگی‌های جغرافیایی ویژه‌ای است که الگوی رفتار انتخاباتی آنان را نیز متأثر ساخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که الگوی رفتار رای‌دهی در شهرستان کازرون در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، بر پایه برآیند ترکیبی نظریه الگوی رفتار رای‌دهی رونالد اینگلهارت، پیا نوریس و

مکتب شیکاگو، توجیه‌پذیر است. این پژوهش بر پایه سه دیدگاه ترکیبی با محوریت رویکرد کل‌نگرانه جغرافیا می‌کوشد تا الگوی رفتار رای‌دهی را که منجر به پیروزی نماینده شهرستان کازرون در نهمین دوره مجلس شورای اسلامی شد، بازکاوی کند. از این روی، پاسخ به پرسش‌های زیر از اهداف غایی این پژوهش به‌شمار می‌رود؛

کدام الگوهای رفتار رای‌دهی در نهمین دوره مجلس شورای اسلامی شهرستان کازرون نقش داشته‌اند؟

و بر این اساس، پرسش‌های فرعی این پژوهش نیز از قرار زیر است؛

- تجربه انباشته سیاسی گذشته در رای‌آوری نماینده شهرستان کازرون چه تأثیر داشته است.

- پایگاه اجتماعی-اقتصادی در رای‌آوری نماینده شهرستان کازرون چه تأثیر داشته است.

- طرح‌واره نظام سیاسی و عناصر آن در رای‌آوری نماینده شهرستان کازرون چه تأثیر داشته است.

مواد و روش‌ها

روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی و از نوع تحقیقات توصیفی پنهانگر به‌شمار می‌رود و با استفاده از آمار و اسناد موجود از دوره نهم انتخابات مجلس شورا در حوزه انتخابی شهرستان کازرون انجام پذیرفته است. گردآوری اطلاعات عمدتاً با روش کتابخانه‌ای شامل فیش برداری از کتب و نشریات داخلی، مقالات، منابع اینترنتی است. هم‌چنین در خصوص الگوی رفتار رای‌دهی، از روش میدانی و مصاحبه حضوری استفاده شده است.

جغرافیای انتخابات، رویکردی جغرافیایی به مقوله دموکراسی و انتخابات است که در آن، الگوهای رفتار سیاسی شهروندان که برخاسته از تنوع نگرش و مطالبات آن‌ها از ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و حقوقی حاکم است، بررسی می‌شود (کاویانی‌راد، ۱۳۹۲: ۱۰). جغرافیای انتخابات به‌عنوان یکی از گرایش‌های جغرافیای سیاسی به مطالعه جنبه‌های جغرافیایی

سازماندهی، کارکرد و نتایج انتخابات می‌پردازد. روی هم رفته می‌توان گفت که «جغرافیای انتخابات، زیرمجموعه‌ای از دانش جغرافیای سیاسی است که به مطالعه الگوی توزیع فضایی قدرت در قالب روابط متقابل جغرافیا، انتخابات و قدرت می‌پردازد» (همان: ۴۰). پس از مطالعات نسبتاً جامعی که آندره زیگفرید^۲ (۱۹۴۹) بر روی جغرافیای رای‌گیری در آردش فرانسه انجام داد، مبنای علمی این شاخه رفته رفته در شریان‌های جغرافیای سیاسی نفوذ کرد (McKee, 2008: 123). زیگفرید که پدر جغرافیای انتخابات نیز مشهور است، در اثری با نام «جغرافیای انتخاباتی» به بررسی ارتباط میان محیط فیزیکی، محیط اجتماعی و الگوی رای‌دهی در بخش آردش^۳ در شمال فرانسه و طی بازه زمانی ۱۸۷۱-۱۹۴۰ پرداخته است. وی در این اثر، آراء کسب شده از سوی هر یک از احزاب را با سازمان فضایی جامعه همسان می‌پندارد و معتقد است که تنوع الگوهای ارتفاع و ساخت زمین‌شناسی این منطقه، رفتارها و موضع‌گیری‌های سیاسی ساکنان آن را منعکس می‌کند (تیلور و جانستون، ۱۳۸۶: ۶-۷). وی توانست با نشان دادن جنبه‌هایی از محیط فیزیکی و اجتماعی بر روی نقشه، زیربنا و مبنای تصمیم‌گیری‌های انتخاباتی را ریشه‌یابی کند. سه رویداد همزمان و درهم تنیده سبب گردید تا بررسی مکانی- فضایی انتخابات ممکن شود؛ نخست، افزایش شمار پایگاه داده‌های زمینی که امکان استناد به آمار و ارقام را فزون می‌ساخت؛ دوم، افزایش و بهبود روش‌های ریاضیاتی و مدل‌سازی که به پژوهندگان امکان بررسی ابعاد فضایی یک پدیده را فراهم می‌ساخت و در نهایت، پیشرفت روافزون ابزارهای محاسباتی همانند رایانه و دیگر سخت افزارهای محاسباتی (Crespin, et al, 2011: 1). توسعه‌ی این سه زمینه، سبب شد تا «دکترین مکان به معنای درک مکان و ارتباط آن با اکولوژی فرهنگی، جامعه‌شناسی و سیاست» (شکویی، ۱۳۷۹: ۷۴)، در قالب جغرافیای انتخاب فراهم آید. از آنجا که انتخابات، معیاری برای برای شناخت نگرش‌ها، برداشت‌ها، تنگناها و مشکلات جامعه است، تفاوت‌های رفتار رای‌دهندگان در مکان‌های مختلف، نشان از تعامل محیط، انسان و نیازهای اوست و

2- André Siegfried

3- Ardèche

جغرافی‌دانان بر همین اساس به مطالعه تأثیر عوامل محیطی در انتخابات می‌پردازند (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۹۲).

الگوهای رفتار انتخاباتی

الگوی رفتار انتخاباتی، به معنای شیوه‌ها و رویکردهایی است که شرکت‌کنندگان در یک انتخابات برای انتخاب فرد مورد نظر خود و رای‌دادن به وی برمی‌گزینند (دارابی، ۱۳۸۸: ۴۳). از نیمه دوم قرن بیستم دانشمندان کوشیده‌اند علل و انگیزه‌های مشارکت سیاسی و خصوصاً مشارکت انتخاباتی را مورد بررسی قرار دهند و در این زمینه نظریه‌های گوناگونی ارائه شده است (این بحث ریشه در تجارب طولانی انتخابات در کشورهای غربی دارد. در ابتدا برخی بر این باور بودند که گروه‌های مختلف اجتماعی رفتاری مشابه از خود در انتخابات‌های متفاوت نشان می‌دهند (حافظنیا و کاویانی راد، ۱۳۸۳: ۱۴۹-۱۴۸). مطالعات پس از جنگ جهانی دوم نشان داد رفتار رای‌دهندگان فراتر از منطقه جغرافیایی است، به گونه‌ای که رفتار رای‌دهندگان را به‌عنوان پدیده‌های با متغیرهای مختلف فردی، اجتماعی و حتی جغرافیایی می‌توان مورد توجه قرارداد (مفیدی، ۱۳۸۴: ۲۳). از میان دیدگاه‌هایی که به بررسی چرایی و چگونگی رای‌آوری یک فرد می‌پردازد، می‌توان به چند دیدگاه معتبر اشاره کرد؛

نظریه لازارسفلد

نظریه لازارسفلد رویکردی جامعه‌شناسانه به فرایند رای‌دهی است. پُل فلیکس لازارسفلد^۴ و گروه تحقیقاتی او در دانشگاه کلمبیا (۱۹۴۰) نشان دادند که با مطالعه شرایط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی افراد رای‌دهنده، می‌توان جهت‌گیری سیاسی و در نتیجه رای‌دهی آنان را پیش‌بینی کرد. به عبارت دیگر، میان شرایط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی افراد و رای‌دهی آنان رابطه مستقیم وجود دارد. از این رابطه مستقیم، لازارسفلد نتیجه می‌گیرد که فرد از نظر سیاسی آن‌گونه می‌اندیشد که از نظر اجتماعی در آن به سر می‌برد. در یک

4- Paul Felix Lazarsfeld

مشابهت‌سازی، لازارسفلد رأی‌دهی را کنشی شبیه به تصمیم به خریدن کالا می‌داند؛ انگیزه‌هایی در فرد وجود دارد، این انگیزه‌ها تحت تأثیر تبلیغات کاندیداها تغییر می‌کنند و وی بر اساس آن‌ها انگیزه‌های خود نسبت به ابعاد مختلف جهان سیاسی را تعریف می‌کند و در نهایت بر پایه ترکیب انگیزه‌هایش رأی می‌دهد (Simonson and Weimann, 2003: 12). از این روی، بررسی رفتار رأی‌دهی در جریان فرایندهای انتخاباتی و با توجه به محرک‌هایی که کاندیداها ارائه می‌کنند، قابل انجام است.

دیدگاه اینگلهارت

رونالد اینگلهارت^۵ با ذره‌بین گذاشتن بر نسل نو در جوامع مفروض خود، ادعا کرد نسلی که در سایه ثبات دو دهه بعد از جنگ جهانی و امنیت و رفاه آن سال‌ها متفاوت با نسل گذشته پرورش یافته است، دارای ارزش‌های متفاوت و در اصطلاح فرامادی است. چرا که توسعه اقتصادی بعد از جنگ، ظهور دولت رفاه عمومی، تغییر در نظام بین‌المللی و رشد بی‌سابقه علم و تکنولوژی منجر به تغییرات تدریجی در ارزش‌های اصلی و رایج درباره سیاست، کار، مذهب، خانواده و رفتار جنسی شده است. این دگرگونی‌های فرهنگی، هم بر رشد اقتصادی در جوامع صنعتی و هم بر نوع توسعه اقتصادی تأثیر گذاشته و به شالوده اجتماعی برخورد سیاسی، دلایل مردم برای حمایت از احزاب سیاسی و نوع حزبی که حمایت می‌کنند و راه‌هایی که برای رسیدن به اهداف سیاسی خود برمی‌گزینند، شکل نوینی بخشیده است و بالاتر از آن، روی آهنگ رشد جمعیت، ساختار خانواده و تغییرات در رفتارهای مذهبی اثر گذاشته است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۵). بر این اساس، شرایط بهبود وضعیت اقتصادی و رفاهی بعد از جنگ جهانی به یک تحول تاریخی منجر شده که در آن نیاز به احترام، رابطه با دیگران، رضایت ذهنی و زیبایی‌شناختی مهم‌تر از تلاش برای به دست آوردن غذا و امنیت شده است. فرضیه اجتماعی شدن نیز بر آن است که ارزش‌های فرد تا حدود زیادی انعکاس شرایطی است که در طول سال‌های قبل از بلوغ وی، حاکم بوده است (Abramson and Inglehart, 1992: 183-186). آنچه در دیدگاه اینگلهارت

5- Ronald Inglehart



از اهمیت سزاینده‌ای برخوردار است، نقش «بنیادهای زیستی» در تحلیل رفتار رای‌دهی است (Scannell, 2006: 62) که آنرا با مبانی جغرافیای انتخاب همگون می‌سازد. بر این اساس، اینگلهارت شاخص‌هایی را برای بررسی رفتار انتخاباتی پیشنهاد می‌دهد که مهم‌ترین شاخص‌های آن عبارتند از: محاسبه منافع رای دادن، آگاهی سیاسی، تبلیغات کاندیداها و گروه‌های سیاسی، تجربه سیاسی، ویژگی‌های شخصی، طرح‌واره نظام سیاسی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی (پیشگاهی فرد و شوشتری، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

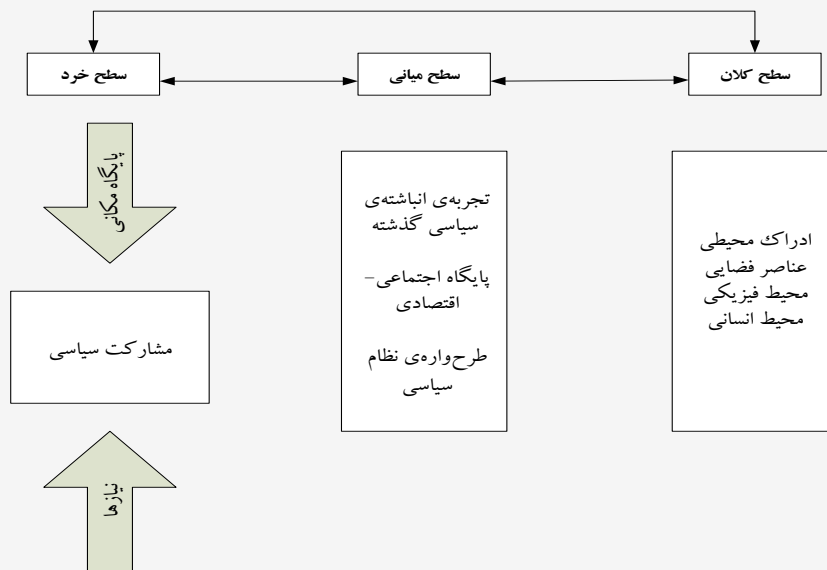
مکتب شیکاگو

مکتب شیکاگو، تأکید خاصی بر اندازه‌گیری نگرش‌های سیاسی دارد. این مکتب، برای درک نگرش‌ها به ادراکات، تجربه‌ی گذشته و انگیزه‌های کلی کنشگر سیاسی توجه دارد (Nimmo and Swanson, 1999: 16). بر پایه نظریه‌ای که این مکتب درباره رای‌دهی بیان داشته است، مجموعه نیروهای اجتماعی و سیاسی در درون فضای سیاسی تعیین‌کننده کنش رای‌دهی هستند. مجموعه عناصر فضای سیاسی نیز عبارتند از: رأی‌دهنده، کاندیداها و ویژگی‌های خاص آن‌ها از قبیل وابستگی حزبی، قومی-قبیله‌ای و نظرات کاندیداها درباره‌ی مسائل گوناگون، نیازمندی‌های درونی فرد و تجربه گذشته در میدان سیاسی. بر اساس دیدگاه شیکاگو، ویژگی‌های رأی‌دهنده، گروهی که بدان تعلق دارد، ویژگی‌هایی که فرد به افراد و گروه‌های سیاسی حاضر در میدان سیاست منسوب می‌کند، و انباشته‌ای از تجربه گذشته فرد در میدان سیاسی تعیین‌کننده رفتار رأی‌دهی است (مظفری، ۱۳۸۷: ۵).

الگوی پیا نوریس

الگوی پیا نوریس (۲۰۰۲)، یکی از معتبرترین الگوها برای تبیین مشارکت سیاسی و مطالعه‌ی رفتار رای‌دهی است. ویژگی این الگو، به‌دلیل جامعیت و فراگیر بودن آن است. در این الگو از سه دسته نظریات کلان، متوسط و خرد در تبیین مشارکت سیاسی نام‌برده می‌شود. در سطح کلان دو مجموعه از عناصر مطرح گردیده است. گروه نخست، بر این امر تأکید می‌کند که ساختار دولت و فضای سیاسی در یک جامعه، تعیین‌کننده نوع و سطح مشارکت شهروندان است. در سطح میانی، از مفاهیمی تحت عنوان نظریات سازمانی یا

نظریات عوامل یا کارگزاران بسیج یاد می‌شود؛ بر این اساس، این اعتقاد وجود دارد که در تبیین مشارکت سیاسی شهروندان باید توجه بیش‌تری به نقش عوامل بسیج اجتماعی و سیاسی و شبکه‌های اجتماعی در فعال‌سازی و بسیج شهروندان مبذول داشت (Norris, 2002: 13). در سطح خرد نیز می‌توان به سه گروه «نظریه منابع»، «نظریه انگیزش» و «نظریه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی» اشاره کرد که هر کدام بر ویژگی‌های شخصی و فردی که منجر به آشکار شدن یک الگوی رفتاری رای‌دهی می‌شود، تأکید دارد. با ترکیب کردن عناصر بنیادین سه دیدگاه اینگلهارت، پپیا نوریس و مگتب شیکاگو، الگویی کل‌نگرانه با مبانی جغرافیایی پدید می‌آید که برای مطالعه جغرافیای انتخابات و الگوی رفتار رای‌دهی در چارچوب کنش سیاسی - فضایی، کارگشا می‌باشد. این الگوی ترکیبی در شکل زیر نشان داده شده است.

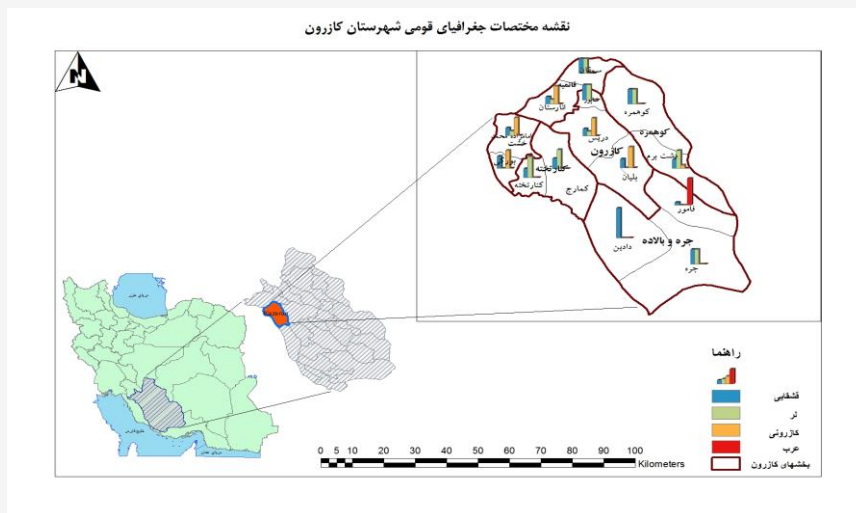


شکل (۱) الگوی رفتار رای‌دهی ترکیبی در چارچوب بسترهای مکانی (اقتباس از Norris, 2002)

هم‌چنانکه در مدل بالا مشاهده می‌شود، عناصر مکانی به سه صورت ادراک محیطی، محیط فیزیکی - انسانی و عناصر فضایی یک رویکرد جامع و فراگیر را برای مطالعه جغرافیای رای‌دهی مهیا می‌گرداند. به سخنی رساتر، بررسی الگوی رفتار رای‌دهی در چارچوب عناصر فضایی انسانی - طبیعی و تأثیر آن بر فرایند شناخت و انتخاب، با در نظر گرفتن ساختارهای سیاسی (همانند احزاب سیاسی) و ویژگی‌های شخصی (تجربه سیاسی)، مطالعه جغرافیای انتخابات را در مقایسه با الگوهای دیگر جامع‌تر و کل‌نگران‌تر می‌نماید.

منطقه مورد مطالعه

شهرستان کازرون یکی از شهرستان‌های استان فارس است که در جنوب ایران و غرب استان فارس قرار دارد (محمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۷). وسعت این شهرستان حدود ۴۱۱۹ کیلومتر مربع و ارتفاع متوسط آن از سطح دریا حدود ۹۵۰ متر می‌باشد. شهرستان کازرون به مساحت ۴۰۶۲ کیلومتر مربع، دارای ۴ بخش و ۱۱ دهستان و ۳۱۴ روستا می‌باشد (اطلس جغرافیایی ایران، ۱۳۹۲: ۸۶). بخش مرکزی با وسعت ۱۰۲۶ کیلومتر مربع، شامل دهستان‌های امامزاده سیدحسین به مساحت ۱۹۳/۲ کیلومتر مربع، بلیان به مساحت ۳۲۸/۷ کیلومتر مربع، دریس به مساحت ۲۸۸/۵ کیلومتر مربع و شاپور به مساحت ۲۱۵/۶ کیلومتر مربع است. بخش کوهمره، به وسعت ۷۳۱/۸ کیلومتر مربع، دارای دهستان‌های دشت برم به مساحت ۲۶۶/۲ کیلومتر مربع و کوهمره به مساحت ۴۶۵/۶ کیلومتر مربع است. بخش خشت و کمارج به مساحت ۷۳۸ کیلومتر مربع، دارای دهستان‌های خشت به مساحت ۴۰۰ کیلومتر مربع و کمارج به مساحت ۳۳۸ کیلومتر مربع است. بخش جره و بالاده با مساحت ۱۵۶۶/۲ کیلومتر مربع، دارای دهستان‌های جره به مساحت ۷۰۰ کیلومتر مربع، دادین به مساحت ۵۵۶/۲ کیلومتر مربع، فامور به مساحت ۳۱۰ کیلومتر مربع و دهستان سرمشهد به مساحت ۸۶۷/۸ کیلومتر مربع می‌باشد (تارنمای فرمانداری شهرستان کازرون).



شکل (۲) جغرافیای قومی شهرستان کازرون (ترسیم از نگارنده، منبع داده‌ها فرمانداری کازرون و بازدید میدانی نگارنده)

ساکنان شهرستان کازرون از لحاظ تباری، به سه دسته‌ی فارس، ترک و عرب تقسیم می‌شوند. تبار فارس نیز خود از لحاظ زبانی به دو قسمت لر و کازرونی دسته‌بندی می‌شود. ترکان ساکن این شهرستان نیز قشقای‌ها هستند که در مناطق مختلف این شهرستان پراکنده می‌باشند (شکل ۲).

یافته‌ها و بحث

هم‌چنان که پیش از این نیز اشاره شد، با ترکیب دیدگاه‌های اینگله‌هارت، پپیا نوریس و مگتیب شیکاگو، سه سطح بررسی رفتار رای‌دهی به‌دست می‌آید که شامل سطح خرد، میانی و کلان است. هر یک از این سطوح، دارای بینادهای زیستی با رویکردی «کل‌نگرانه» است که از ویژگی‌های بارز و منحصر‌بفرد روش‌شناسی جغرافیا به‌شمار می‌رود. از این روی، هر کدام از سطوح یاد شده، با تقسیم شدن به اجزاء درونی‌تر و بر پایه بینادهای زیستی و «هویت مکانی»، نگرشی جامع را در بررسی چگونگی رای‌آوری و نیز روند رای‌دهی در جغرافیای

انتخابات فراهم می‌آید. بنابراین، می‌توان بر اساس دیدگاه ترکیبی این پژوهش، سه مؤلفه که برآمده از سه سطح خرد، میانی و کلان است را به‌عنوان شاخص‌های جامع در نظر گرفت. این سه مؤلفه عبارتند از؛ پیشینه سیاسی (تجربه زیسته سیاسی در چارچوب جغرافیای سیاسی محلی با تاکید بر شهرستان کازرون)، پایگاه اقتصادی-اجتماعی (جغرافیای انسانی و اقتصادی) و طرح‌واره نظام سیاسی (مناسبات سطح بالای قدرت در چارچوب جغرافیای قدرت). هم‌چنانکه مشاهده می‌شود، این مولفه‌ها از سطح محلی تا کلان توزیع شده‌اند و می‌توانند ابزاری جامع و فراگیر برای بررسی روندهای جغرافیای انتخابات باشند. در ادامه، تأثیر هر یک از سه مولفه یاد شده را بر خاستگاه آراء در انتخابات مجلس شورای اسلامی در دور نهم در شهرستان کازرون بررسی خواهد شد.

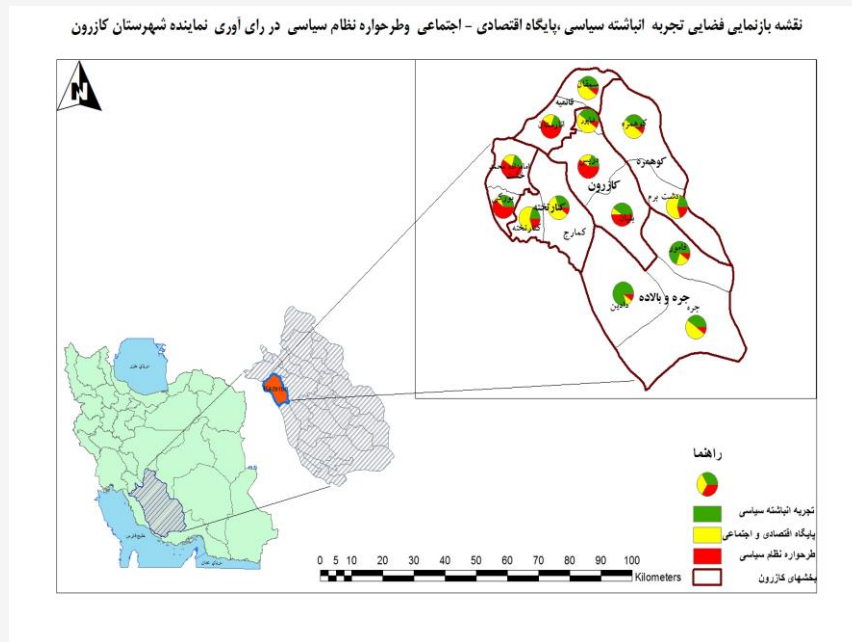
خاستگاه آراء نماینده شهرستان کازرون

پیشینه سیاسی؛ نماینده شهرستان کازرون در مجلس نهم، در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی نیز نماینده شهرستان کازرون در مجلس بوده است. این پیشینه، هم سبب آشنایی وی با سازوکارهای سیاسی و انتخاباتی شده و هم تجربه او را برای مدیریت رای افزایش داده است (محمدی، ۱۳۹۲؛ محمدصادقی، ۱۳۹۲). این پیشینه سیاسی زمانی که با شناخت محیط همراه گردد، می‌تواند نقش ادراک محیطی را عیان سازد (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۰۵). تجربه زیسته^۶ نماینده شهرستان کازرون در مجلس نهم در زادگاه خود (بخش خشت و کمارنج شهرستان کازرون) به ادراک محیطی منجر شده و این تجربه با سازوکار رای‌گیری درهم آمیخته است. از این روی می‌توان گفت که ادراک محیطی زمانی که با بینش سیاسی درهم آمیخته شده، تجربه انباشته سیاسی وی را برای رای‌آوری افزایش و شانس پیروزی وی را تقویت است. علاوه بر این، ریاست چندساله دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، معاونت پزشکی قانونی کشور، رئیس انجمن جراحان پلاستیک ایران در کنار دیگر پیشینه‌های علمی-اجتماعی، تجربه زیسته وی را تقویت کرده است (دهقان ناصرآبادی، ۱۳۹۲؛ محمدی، ۱۳۹۲؛ محمدصادقی، ۱۳۹۲). از این روی، می‌توان گفت که تجربه سیاسی نماینده

کازرون در دور نهم مجلس شورای اسلامی، برآیندی از رابطه دوسویه شناخت محیط و تجربه سیاسی - اجتماعی است.

پایگاه اجتماعی - اقتصادی؛ نماینده شهرستان کازرون در مجلس نهم، از اعضای پرپیشینه و مطرح حزب مؤتلفه اسلامی است (محمدی، ۱۳۹۲؛ محمدصادقی، ۱۳۹۲). حزب مؤتلفه از احزاب وابسته به جریان اصولگرایی در ایران است و به دلیل فعالیت اعضای بنیان‌گذار آن در امور تجاری و اقتصادی، از تمول و مکنت مالی خاصی نیز برخوردار می‌باشد (جعفریان، ۱۳۸۱: ۷۳). از این گذشته، رابطه نزدیک میان نماینده شهرستان کازرون در مجلس نهم و حجت‌الاسلام ایمانی امام جمعه پیشین این کشور و نیز حجت‌الاسلام خرسند امام جمعه کنونی این شهر که هر دو از اعضای سابق حزب مؤتلفه اسلامی بوده‌اند (دهقان ناصرآبادی، ۱۳۹۲؛ محمدصادقی، ۱۳۹۲)، می‌توان فهمید که کانون ستبری از جریان‌ها و افراد بانفوذ بر گرد نماینده کازرون خیمه زده بودند. همین حمایت غیرمستقیم باعث شد تا بسیاری از چهره‌های مذهبی و سپاه و بسیج نیز به وی روی خوش نشان دهند (دهقان ناصرآبادی، ۱۳۹۲). علاوه بر این، از آنجایی که نماینده شهرستان کازرون در مجلس نهم خود از لُر تباران شهرستان کازرون است و با ترک‌زبانان قشقایی نیز مراودات صمیمانه‌ای دارد (دهقان ناصرآبادی، ۱۳۹۲؛ محمدصادقی، ۱۳۹۲)، توانسته آراء تباری لرها و قشقایی‌ها را تا حد نسبتاً زیادی به خود اختصاص دهد. مناطق پیرامونی شهرستان کازرون یا کاملاً لُر زبان هستند و یا تمامی آنها را ترکان قشقایی تشکیل می‌دهند و یا ترکیبی از هر دو هستند (محمدی، ۱۳۹۲). در خود شهرستان کازرون نیز جمعیت لُر و ترک قابل توجه هستند. پس می‌توان گفت که خاستگاه تباری آراء نماینده شهرستان کازرون در مجلس نهم قابل توجه است. البته گفتنی است که شماری از مناطق ترک‌نشین کازرون (مانند ترکان قشقایی دهستان سرمشهد) درصد قابل توجهی از آراء خود را به دهقان ناصرآبادی رقیب اصلاح‌طلب وی اختصاص دادند (دهقان ناصرآبادی، ۱۳۹۲؛ محمدصادقی، ۱۳۹۲). بنابراین، پایگاه اجتماعی - اقتصادی نماینده شهرستان کازرون در مجلس نهم، طیفی از خاستگاه‌های آراء را به سود وی جذب کرده است که روی هم رفته می‌توان آن را برآیندی از رابطه تعاملی کانون قدرت، حزب سیاسی و قوم و تبار دانست.

طرح‌واره نظام سیاسی و عناصر آن؛ طرح‌واره نظام سیاسی اشاره به ذهنیت و نقشه ذهنی است که فرد از محیط سیاسی خود دارد. این ذهنیت اگر بر اساس درگیری و مواجهه شخصی و تجربه زیستی فرد باشد، راه را برای شناخت و مدیریت هموار می‌سازد. به عبارت دیگر، طرح‌واره نظام سیاسی ترکیبی از ادراک محیطی و کنش‌های سیاسی فرد است. محیط جغرافیایی صرفاً درون‌مایه‌ای طبیعی ندارد و در پدیدآیی آن عوامل گوناگون اجتماعی، اقتصادی، ژئوپلیتیک سرمایه و رسانه نقش‌آفرینی می‌کنند (کاویانی راد، ۱۳۸۸: ۱۰). در واقع، محیط واقعی و بیرونی از رهگذار فرهنگ، ایده، باور، مذهب و سوژه‌های گوناگونی از این دست، ادراک می‌شود. ادراک و شناخت شخص از محیط پیرامون، به نقشه ذهنی معروف است؛ نقشه‌ای که در درون فرد شکل می‌گیرد، ترسیم می‌شود و واسطه‌ای برای شناخت می‌شود (براتی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۲). بر این اساس، می‌توان گفت که عناصر طرح‌واره سیاسی در رای‌آوری نماینده شهرستان کازرون در مجلس نهم، تعامل درهم‌تنیده نیاز حاکمیت، فضای سیاسی و جریان اصولگرایی است. به دیگر سخن، میان واقعیات بیرونی و ادراکات ذهنی همخوانی و هارمونی وجود داشته است و طیفی از زمینه‌ها همه طرح‌واره‌ها را به سود نماینده شهرستان کازرون در مجلس نهم پیش برده است. جریان اصولگرایی پس از رخداد ۱۳۸۸ توانست قدرت و نفوذ بیش‌تری را در مقایسه با جریان اصلاح‌طلبی در بدنه قدرت به دست آورد (دهقان ناصرآبادی، ۱۳۹۲) و از دیگر سوی، اقبال در فضای سیاسی و حاکمیت به برپایی یک مجلس اصولگرا که حامی دولت اصولگرایی دهم باشد، زمینه و زمانه را به سود نماینده شهرستان کازرون در مجلس نهم تغییر داد. در کنار این باید از برنامه‌محوری، دانش بالای آکادمیک، رای روشنفکران و دانشجویان و نیز کارآمدی وی نیز نام برد (محمدی، ۱۳۹۲؛ محمدصادقی، ۱۳۹۲). ولایت فقیه نیز یکی از این ارزش‌ها است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با هدایت روحانیت و مرجعیت دینی و رهبری بی‌بدیل حضرت امام خمینی (ره)، ولایت فقیه در نزد مردم به عنوان شاخص اصلی برای سنجش درستی همه امور به‌ویژه در مسائل فکری - سیاسی مورد پذیرش قرار گرفت (جوانی، ۱۳۸۷: ۱۷).



شکل (۳) پراکنش فضایی مولفه‌های تجربه انباشته سیاسی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و طرح‌واره نظام سیاسی در سطح شهرستان کازرون (ترسیم از نگارنده)

شکل (۳)، کوشیده است تا پراکنش فضایی هر یک از سه مولفه این پژوهش را در سطح شهرستان کازرون نشان دهد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، بر پایه‌ی اصول کل‌نگرانه بینش جغرافیای انتخابات، سه نظریه و دیدگاه اینگلهارت، پپا نوریس و مکتب شیکاگو باهم تلفیق شد تا یک روش کل‌نگر برای مطالعه جغرافیای انتخابات و الگوی رای‌آوری فراهم آید. بر اساس این روش تلفیقی، «تعلق مکانی»، «حس مکان»، «ادراک محیطی»، «شناخت محیط»، «جغرافیای انسانی و طبیعی» به‌عنوان یک «زمنیه»، توانسته است شاخص‌های تجربه سیاسی، پایگاه اجتماعی-سیاسی و طرح‌واره نظام سیاسی را در جهت رای‌آوری نماینده شهرستان کازرون در مجلس

نهم به کار اندازد. با ترکیب دیدگاه‌های اینگلهارت، پپیا نوریس و مگتیب شیکاگو، سه سطح بررسی رفتار رای‌دهی به دست می‌آید که شامل سطح خرد، میانی و کلان است. هر یک از این سطوح، دارای بینادهای زیستی با رویکردی کل‌نگرانه است که از ویژگی‌های بارز و منحصر بفرد روش‌شناسی جغرافیا بشمار می‌رود. از این روی، هر کدام از سطوح یاد شده، با تقسیم شدن به اجزاء درونی‌تر و برپایه بنیادهای زیستی و «هویت مکانی»، نگرشی جامع را در بررسی چگونگی رای‌آوری و نیز روند رای‌دهی در جغرافیای انتخابات فراهم می‌آید. بنابراین، می‌توان بر اساس دیدگاه ترکیبی این پژوهش، سه مولفه که برآمده از سه سطح خرد، میانی و کلان است را به‌عنوان شاخص‌های جامع در نظر گرفت. این سه مولفه عبارتند از: پیشینه سیاسی (تجربه زیسته سیاسی در چارچوب جغرافیای سیاسی محلی با تاکید بر شهرستان کازرون)، پایگاه اقتصادی-اجتماعی (جغرافیای انسانی و اقتصادی) و طرح‌واره نظام سیاسی (مناسبات سطح بالای قدرت در چارچوب جغرافیای قدرت). هم‌چنان که مشاهده می‌شود، این مؤلفه‌ها از سطح محلی تا کلان توزیع شده‌اند و می‌توانند ابزاری جامع و فراگیر برای بررسی روندهای جغرافیای انتخابات باشند. از به هم پیوستن این سه زمینه جغرافیایی و شناخت لازم از آن، وزنه سیاسی تغییر می‌کند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان به این نتیجه رسید که آگاهی از دانش لازم درباره بنیادهای زیستی (در چارچوب جغرافیا) می‌تواند به‌مثابه وزنه بسیار مهمی در انتخابات در سطوح گوناگون محلی و ملی عمل کند. از برابند و تعامل این سه شاخص با عنصر جغرافیایی مکان، می‌توان نتیجه گرفت که عناصر جغرافیایی به‌عنوان پایگاه و مبنایی برای فعالیت‌های اجتماعی از جمله کنش سیاسی رای‌دادن به شمار می‌آید و نادیده گرفتن عوامل فضایی-مکانی در تحلیل پدیده‌های طبیعی-اجتماعی، از جامعیت و همه‌سونگری یک تحقیق می‌کاهد.

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸)، «*علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران*»، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اطلس جغرافیایی ایران (۱۳۹۲)، «*اطلس گیتاشناسی ایران*»، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، «*تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*»، ترجمه مریم وتر، تهران، نشر کویر.
- براتی، ناصر و سلیمان نژاد، محمدعلی (۱۳۹۰)، «ادراک محرک‌ها در محیط کنترل شده و تأثیر جنسیت بر آن، نمونه مورد مطالعه دانشجویان دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی»، *فصلنامه باغ نظر*، شماره ۱۷، ۳۰-۱۹.
- پیشگاهی فرد، زهرا و سیدمحمدجواد شوشتری (۱۳۸۷)، «مبانی جغرافیایی آراء مردم در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۷، صص ۱۳۰-۱۰۹.
- پیشگاهی فرد، زهرا، متقی افشین و علی صادقی (۱۳۹۲)، «مجموعه مقالات جغرافیای انتخابات»، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- تارنمای فرمانداری شهرستان کازرون، (۱۳۹۳)، «مختصات جغرافیایی شهرستان کازرون»، قابل دسترسی در: <http://www.kazeroun.com/biography/mod/full/id/8>.
- تیلور، پی. جی و جانستون، آر. جی (۱۳۸۶)، «*جغرافیای انتخابات*»، ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری، نشر قومس.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و مراد کاویانی راد (۱۳۸۳)، «*فقی‌های جدید در جغرافیای سیاسی*»، انتشارات سمت.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۱)، «*جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی سیاسی ایران*»، سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷، نشر پژوهشگاه فرهنگی و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.

- جوانی، یدالله (۱۳۸۷)، «جستاری در ولایتمداری جریان‌ها و احزاب سیاسی ایران»، *مجله انقلاب اسلامی و دفاع مقدس (حصون)*، شماره ۱۵، ۱۷-۲۹.
- دارابی، علی (۱۳۸۸). «*رفتار انتخاباتی ایرانیان*»، ترجمه تورمد هاوگن، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (سروش).
- شادلو، عباس (۱۳۸۵)، «اطلاعاتی درباره احزاب و جناح‌های سیاسی ایران امروز»، نشر مؤلف.
- شکویی، حسین (۱۳۸۷)، «*ندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*»، انتشارات گیتاشناسی.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۸)، «بوم‌شناسی سیاسی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۱۲، شماره ۳، پیاپی ۴۵.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۹۲)، «*جغرافیای انتخابات با تأکید بر انتخابات ریاست جمهوری ایران*»، انتشارات دانشگاه خوارزمی.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۵)، «*مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*»، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محمدی، جمال؛ ضرابی، اصغر و اصغر پورقیومی (۱۳۹۰)، «تحلیل فضایی و مکانیابی پارک‌های درون شهری، نمونه موردی: شهرستان کازرون»، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی* (دانشگاه تبریز)، شماره ۳۸، ۱۵۲-۱۲۳.
- مفیدی، فرید (۱۳۸۴)، «جامعه‌شناسی انتخابات»، *مجله پگاه حوزه*، شماره ۱۶۰، ۱۹-۲۹.
- Abramson, Paul and Ronald Inglehart (1992), "Generational Replacement- and value change in Eight west European societies", *British Journal of Political Science*, 22: 183- 228.
- Crespin, Michael, Darmofal, David and Carrie Eaves (2011), "The Political Geography of Congressional Elections", *Annual Meeting of the Midwest Political Science Association*, Chicago, IL, March 31st-April 3rd, 2011, pp 1-40.
- D. Nimmo & D.L. Swanson (1999), "The Field of Political Communication Beyond the Voter Persuasion Paradigm", in *New Directions in Political Communication*, London, Sage, P.16

- McKee, Seth C. (2008). "The Effects of Redistricting on Voting Behavior in Incumbent U.S. House Elections", 1992-1994, *Political Research Quarterly* 61: 122-133
- Norris, Pippa (2002), "Political Activism: New Challenges, New Opportunities" in Charles Boix and Susan C. Stokes (eds.), The Oxford Handbook of Comparative Politics, New York: Oxford University Press
- Quinton, Nick (2013): "Electoral Geography", URL: <http://www.oxfordbibliographies.com/view/document/obo-9780199874002/obo-9780199874002-0019.xml>.
- Scannell, Paddy (2006), "The End of the Masses: Merton, Lazarsfeld, Riesman, Katz, USA, 1940s and 1950", in his *Media and Communication*. London and Thousand Oaks, CA: Sage, 62-90.
- Simonson, Peter, and Weimann, Gabriel (2003), "Critical Research at Columbia", in E. Katz, et al. (eds.), *Canonic Texts in Media Research*, Cambridge: Polity, 2003, pp. 12-38.